

## شوش! ته خط

تهران (پانا) - شوش، خیابان انبار گندم، درست وسط هر آنچه از آسیب‌های اجتماعی می‌شود تصور کرد، پارک شوش، مرکز جامع کاهش آسیب بانوان. این نشانی مکانی است که یک سال است تبدیل شده به مامن زنانی که با کوله‌باری از دردهای هزار ساله، بار خماری را به دوش می‌کشند و درد روی درد تلنبار می‌کنند. از دختری که جوانی‌اش را قمار افیون کرده و آنقدر سرمست دوران طلایی اعتیادش است که فقط باید کنارش ایستاد و کمک کرد کمتر خودش را نابود کند تا پیرزنی که بعد از مرگ تنها پسرش بی‌خانمان شده.

از پیرزنی که عروسش از خانه بیرونش کرده و حالا بی‌سریانه؛ است تا نوجوان ۱۸ ساله؛ ای که ۵ سال است همسر مردی ۶۰ ساله است و بعد از ۵ سال کتک خوردن حالا از خانه گریخته و خیلی؛ ها به او آدرس آنجا را داده؛ اند. آنجا که اگر چه بیشتر مددجویانش کارتن‌خواب؛ خواب‌های مصرف‌کننده مواد مخدر هستند اما پناه همه زنان بی‌سریانه شهر است.

سپیده علیزاده، کارشناس ارشد روانشناسی و مدیر عامل موسسه کاهش آسیب؛ نور سپید هدایت؛ درباره این مرکز و خدماتی که ارائه می‌کند، بر زن بودن مددجویان تاکید می‌کند و می‌گوید: اعتیاد زنان وابسته خانواده است یعنی دل بستگی های زنان و مردان با یکدیگر تفاوت دارد، بنابراین اعتیاد آنها نیز نسبت به یکدیگر متفاوت است. آسیبی که یک زن تجربه می‌کند به شدت وابسته به خانواده اوست بنابراین زمانی که به یک زن خدمات می‌دهید با یک نفر طرف نیستید چراکه آسیب‌ها معمولاً شکل خانگی دارند اما در مردها این مسئله دیده نمی‌شود و تمام درمانگران اعتیاد متفقند که زنان معتاد، در تمام کشورها و از جمله ایران، نه؛ تنها از نظر جسمی و روحی، عوارض سنگین؛ تری در مقایسه با مردان معتاد متحمل می‌شوند، بسیار زودتر از مردان، در معرض انگ و نگاه کج خانواده و جامعه قرار می‌گیرند و اگر از حمایت خانواده محروم شده یا عضو یک خانواده آسیب‌دیده یا فقیر باشند، به سرعت، برای تامین هزینه اعتیادشان به رفتارهای خلاف عرف وادار می‌شوند که در این صورت، طرد کامل از خانواده و اجبار به کارتن‌خوابی؛ خوابی؛ قطع و ناگزیر خواهد بود. اگر امروز، دستگاه‌های مقابل با مواد مخدر و نهادهای متولی کاهش آسیب؛ های اجتماعی، از وجود ۵ الی ۱۰ هزار زن کارتن‌خواب در کل کشور خبر می‌دهند، این زنان، نگویند؛ بخت‌ترین؛ های گرفتار اعتیاد هستند که به واسطه عزیمت به قربانگاه خشن‌ترین آسیب اجتماعی، یک‌باره پیرامون‌شان را هم از هر حمایت و محبت و یاری، خالی دیدند علاوه بر آنکه به دلیل تاثیر شدید از این تحمیل بی‌رحمانه، تنها و بی‌پناه، داوطلب سقوط به عمق دره فراموشی شدند که دیگر اثری در خاطره و زندگی هیچ کدام از اطرافیان سببی و نسبی باقی نگذارند.

این مرکز جامع برای ارائه خدمات کاهش آسیب به زنان مصرف‌کننده مواد مخدر و توانمندسازی آنان است و موسسه کاهش آسیب؛ نور سپید هدایت؛ در این مرکز خدمات‌گذاری، سرپناه شبانه (شلتز)، توانمندسازی، خدمات بسیار کاهش آسیب، مدیریت مورد و همچنین خدمات پیگیری را ارائه می‌کند.

کاهش آسیب مجموعه سیاست‌ها یا برنامه‌هایی است که در جهت کاهش عوارض بهداشتی و عواقب منفی اجتماعی و اقتصادی ناشی از مصرف و وابستگی به مواد مخدر و روانگردان اعمال می‌گردد. مرکز کاهش آسیب، مکانی است مخصوص مصرف‌کنندگان موادی که قادر و یا حاضر به ترک دائم نیستند و به دلیل رفتارهای پرخطری که از خود بروز می‌دهند به

منظور کنترل و کاهش آسیب های آنان به جامعه و سایر افراد و در راستای ترغیب آنها برای درمان، فعالیت می کند.

مرکز جامع کاهش آسیب "نور سپید هدایت" توسط موسسه کاهش آسیب نور سپید هدایت (به عنوان مجری)، شهرداری منطقه ۱۲ تهران (به عنوان ناظر و مالک ساختمان) و سازمان بهزیستی کشور (به عنوان ناظر و صادر کننده پروانه فعالیت) از مرداد ماه سال ۱۳۹۸ فعالیت خود را ویژه زنان آسیب دیده آغاز کرد.

به جهت تجمیع چندین مرکز ارائه خدمات کاهش آسیب در یک مکان و تسهیل دسترسی مددجویان به دریافت خدمات کاهش آسیب، نام مرکز جامع بر روی آن قرار گرفت که ویژه بانوان آسیب دیده اجتماعی است و فعالیت شبانه روزی دارد.

امروز دقیقاً یک سال است که از افتتاح اولین مرکز جامع کاهش آسیب زنان می‌گذرد و یک‌ساله که دست بر قضا در کنار سختی‌های کار در فضای اعتیاد و در میدان شوش، اپیدمی کرونا هم به آن اضافه شد و سختی کار را دو چندان کرد تا جایی که همین یک ماه پیش ۶ نفر از مددکاران مرکز دچار بیماری کرونا شدند و مرکزی با بیش از ۱۵۰ نفر مددجو ماند و سختی مضاعفی که بر دوش مددکاران عاشق باقی گذاشت.

یکی از مددکارانی که تازه از قرنطینه ابتلا به کرونا بیرون آمده، می‌گوید: روزهای سختی بود. خیلی سخت و یک چیزی ته قلبم می‌گشاید اگر دعای بچه‌های مرکز نبود شاید اینطور نمی‌گذشت و شاید تسلیم بیماری می‌شدم. روزی که به سر کار برگشتم، با عدم موافقت خانواده ام مواجه شدم، اما مقاومت کردم و به کار برگشتم. باورم نمی‌شد که این بچه‌ها اینقدر دلتنگ و نگرانم شده‌اند و البته این را اضافه کنید به سختی کاری که همکارانم به واسطه بیماری من با آن دست به گریبان بودند.

مددیار بهبود یافته از اعتیاد شاغل در مرکز جامع کاهش آسیب بانوان که او هم به تازگی از کرونا رها شده است می‌گوید: بیست و پنج سال مصرف کننده مواد بودم، برای دوره فیزیکی و ترک ام اینقدر درد نکشیدم که طی مدت ابتلا به کرونا اذیت شدم ولی برگشتم که درب این مرکز بسته نشود و این زنان رانده و مانده از اینجا هم نشوند.

وی درباره ماهیت کار این مرکز می‌گوید: مددکاری در کل شغل سختی است اما مددکاری در زمینه اعتیاد، آن هم در مواجهه با زنان و کودکان کارتن‌خواب سخت‌تر است اما خود منطقه جغرافیایی جنوب شهر کار ما هم داستانی است. عبور هر روز از این منطقه برای رسیدن به محل کار یا تهدید و ارباب قاچاقچینی که طعمه‌هایشان از وقتی مددجوی ما شده‌اند به راحتی قبل تسلیم خواسته‌های آنها نمی‌شوند هم برای خودش داستانی است.

علیزاده، مدیر عامل "نور سپید هدایت" و مدیر "مرکز جامع کاهش آسیب زنان" و "مددسرای بانوان شوش" در تایید حرف‌های همکارش می‌گوید: همکاران من در واقع اعضای یک خانواده هستند و مهمترین ویژگی آنها عشق است چون هیچ چیزی غیر از عشق نمی‌تواند کسی را وادار کند این طور صادقانه به کسانی خدمت کند که نزدیکانشان هم حتی سعی می‌کنند ردی از نام و خاطراتشان در خاطرشان نماند. همکاران من عاشق خدمت و عاشق بهبود کیفیت زندگی مددجویانند و شاید همین انگیزه والای انسانی است که سختی‌های کار و نامهربانی و ناسپاسی بسیاری از مسئولان را تاب می‌آورند و من ایمان دارم که آثار خیر دعای مددجویان مرکز در جای جای زندگی اینها به چشم می‌خورد.